گفت‌وگو

مدیرکل مطبوعات و خبرگزاری‌های داخلی وزارت ارشاد:

۶۰ هزار تن کاغذ با نظارت دولت وارد می‌شود

امین شول سیرجانی

این روزها رسانه‌های ایران با مشکلات گوناگونی برای ادامه حیات حرفه‌ای‌شان روبرو هستند. در میان رسانه‌ها، آنها که به صورت مکتوب منتشر می‌شوند مشکلات‌شان بیشتر است. افزایش قیمت دلار، افزایش قیمت کاغذ و در ادامه آن کمبود کاغذ روزنامه در کشور مهم‌ترین مشکل این روزهای مطبوعات است. البته مطبوعات بخش خصوصی از مسائل دیگری مانند توزیع ناعادلانه آگهی‌های بخش دولتی هم گلایه‌هایی دارند. محمدرضا دربندی، مدیرکل مطبوعات و خبرگزاری‌های داخلی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در گفت‌وگو با «اعتماد» از اصلاح شیوه توزیع آگهی‌ها تا یک ماه آینده و همین طور تصمیم‌های وزارت ارشاد برای کمک به بهبود وضعیت توزیع کاغذ در کشور خبر می‌دهد.

■ **آقای دربندی الان رسانه‌های شناسنامه‌دار و معتبر کشور با مشکلات مختلفی روبرو هستند. جدی‌ترین این مشکلات که عملا تبدیل به بحران شده مساله کمبود کاغذ برای انتشار رسانه‌های مکتوب است. آیا وزارت ارشاد برای کاهش بحران موجود برنامه‌ای دارد؟**

به‌طور کلی الان در دنیا گرایش به نسخه کاغذی روزنامه‌ها کم شده و اقبال به نسخه‌های آنلاین آنها افزایش یافته است. الان دیگر در کشورهای اروپایی کیوسک مطبوعاتی نمی‌بینید. آن تعدادی هم که چاپ می‌شود از طریق سیستم اشتراک به دست مخاطبان می‌رسد. ما با یک شیب ملایم به سمت خاموش شدن نشریات مکتوب حرکت می‌کنیم. اتفاق اخیر در بازار کاغذ یکی از دلایلش به بحران جهانی کاغذ مربوط است. تمام کشورها برای رعایت استانداردهای زیست محیطی از قطع درختان برای تولید کاغذ دست کشیده‌اند. بهترین نمونه‌اش کشور چین است که خودش صادرکننده کاغذ بوده اما الان به واردکننده تبدیل شده است. از طرف دیگر در داخل کشور ما هم وزارت جهاد کشاورزی به دو کارخانه تولید کاغذ اجازه نمی‌دهد که چوب مورد نیازشان را از طریق قطع درختان تامین کنند. این اتفاقات در کنار گران شدن قیمت دلار در ماه‌های گذشته بحران را تشدید کرده است. بنابراین باید راه‌های جایگزین پیدا کنیم. همین جا باید این خبر را اعلام کنم کارخانه‌ای در نطنز راه‌افتاده برای تبدیل کاغذ باطله به کاغذ روزنامه. این کار یک دستگاه خاص می‌خواهد که الان در نطنز راه‌اندازی شده. اما مشکلاتی پیش روی این کارخانه است که داریم برای رفع آنها تلاش می‌کنیم. این کارخانه توان تولید سالانه ۱۸ هزار تن کاغذ را دارد که تقریبا یک سوم نیاز ما را تامین می‌کند.

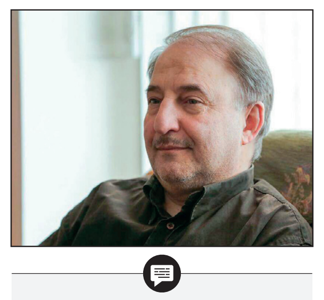

تاییدیه ثبت سفارش واردات ۶۰ هزار تن کاغذ را به بانک مرکزی ارایه کرده‌ایم تا واردات کاغذها و ترخیص آن بخشی که در گمرک متوقف شده را تسهیل کنند. اگر وزارت صنعت، معدن و تجارت و بانک مرکزی دستور دهند واردات همین ۶۰ هزار تن کاغذ که ما تایید کرده‌ایم، انجام شود ظرف یک ماه تا چهل روز دیگر این مشکل رفع می‌شود.

■ **شما در نشست خبری‌تان اشاره کردید که ۲۶۰ میلیون دلار ارز ۴۲۰۰ تومانی به واردات این کالا تخصیص داده شده که البته فهرست واردکنندگان را هم در اختیار ندارید. از طرفی هم گفتید که کمیته کاغذ تشکیل داده‌اید. این کمیته چه وظیفه‌ای دارد؟**

ما در این کمیته واردکنندگان شناخته شده را فراخوانده‌ایم و با آنها توافق کرده‌ایم که مطابق ضوابط کاغذ وارد کنند و در بازار عرضه کنند. تاییدیه ثبت سفارش واردات ۶۰ هزار تن کاغذ را به بانک مرکزی ارایه کرده‌ایم تا واردات کاغذها و ترخیص آن بخشی که در گمرک متوقف شده را تسهیل کنند. اگر وزارت صنعت، معدن و تجارت و بانک مرکزی دستور دهند واردات همین ۶۰ هزار تن کاغذ که ما تایید کرده‌ایم، انجام شود ظرف یک ماه تا چهل روز دیگر این مشکل رفع می‌شود.

■ **شما اشاره کردید که در اروپا نسخه‌های کاغذی کاهش یافته و فروش نسخه‌های آنلاین افزایش یافته است. اما در ایران نسخه‌های آنلاین پولی نیستند و قانون کپی‌رایت هم رعایت نمی‌شود. به نظر می‌رسد بهترین سیاست شما این می‌تواند باشد که رسانه‌های بخش خصوصی بتوانند در شرایط برابر با سایر رسانه‌ها فعالیت کنند و اقتصاد رسانه تقویت شود؟**

از زمان آقای دکتر انتظامی کمیته‌ای در معاونت مطبوعاتی شکل گرفته بود به اسم اقتصاد رسانه که راه‌های برون رفت رسانه‌ها از مشکلات اقتصادی‌شان را بررسی می‌کرد. این کمیته کارش مقداری کمرنگ شده بود. ان‌شاءالله به زودی دوباره احیا می‌شود و تلاش می‌کنیم به نشریات بخش خصوصی کمک کنیم راه‌های درآمدزایی را شناسایی کنند و پویا شوند.

■ **بسیاری از مدیران رسانه‌ها معتقدند که اساسا دخالت دولت هر چقدر هم خیرخواهانه باشد سرانجام موجب ایجاد رانت برای شماری از رسانه‌ها می‌شود. برای نمونه موضوع توزیع آگهی‌ها که عملا به نشریات بخش خصوصی که تولید محتوای با کیفیت دارند آگهی چندانی نمی‌رسد؟**

اتفاقا یکی از تصمیم‌های ما بازنگری در شیوه توزیع آگهی‌های مطبوعات است. پیشنهادها و آسیب‌ها را یادداشت کرده‌ایم. تصورم این است که تا یک ماه آینده طرح جدیدی را برای توزیع آگهی‌های دولتی تدوین کنیم که بتواند مشکلات کنونی را برطرف کند.

■ **رویکرد این طرح مشخصا چه خواهد بود؟**

رویکردی که دست واسطه‌ها را قطع کند. الان یک اپراتور میان ارشاد و مطبوعات وجود دارد که گاهی تا ۳۰ درصد درآمد هر آگهی را کسب می‌کند. یک اشکال دیگر این است که هر چند مطابق قانون هیچ سازمان دولتی حق ندارد مستقیم به نشریات آگهی بدهد اما متاسفانه برخی وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها این قانون را رعایت نمی‌کنند. ما دو هفته قبل با امضای آقای صالحی نامه‌ای نوشته‌ایم به آقای جهانگیری و از ایشان خواسته‌ایم که ضمیمه آن را تایید کنند. محتوای نامه این است که به تمام وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی اعلام شود که اگر بعد از دریافت این نامه به‌طور مستقیم به نشریات آگهی بدهند ذی‌حساب سندشان را رد می‌کند.

■ **خب اگر وزارتخانه‌ها به این قانون عمل کنند باز هم نمی‌توان اطمینان داشت که توزیع آگهی رانتی از بین برود. ممکن است این اتفاق از سوی کارشناسان وزارت ارشاد و در ظاهر قانونی انجام شود. بحث اصلی این است که دولت در توزیع آگهی‌ها به یک مدل شفاف برسد؟**

به هر حال قانون مشخص کرده که آگهی‌های دولتی باید از سوی وزارت ارشاد توزیع شوند. ما هر کاری کنیم یک راهی پیدا می‌شود که عده‌ای سوءاستفاده کنند اما رعایت قانون و توزیع آگهی از کانال ارشاد به دلیل نظارت مدیران ارشاد در سراسر کشور موجب می‌شود این فساد خیلی کمتر شود.

■ **بهتر نیست برای طراحی یک مدل موفق در تصمیم‌گیری‌های تان از دیدگاه روزنامه‌نگاران و مدیران رسانه‌های بخش خصوصی هم استفاده کنید؟**

روش کار من این است که اول پیش‌نویس طرح‌های‌مان را آماده می‌کنیم و بعد دیدگاه روزنامه‌نگاران و مدیران رسانه‌ها را جویا می‌شویم. معمولا هم دیدگاه‌ها روزنامه‌نگاران باعث می‌شود طرح اولیه ما اصلاح شود. ما از مشورت گریزان نیستیم. برای اصلاح طرح اختصاص یارانه مطبوعات هم از همین روش استفاده کرده‌ایم.

■ **شما به عنوان مدیرکل مطبوعات داخلی وزارت ارشاد آیا به جز مساله کاغذ آیا سایر آسیب‌هایی که مانع فعالیت مطبوعات بخش خصوصی هستند را بررسی کرده‌اید؟**

یکی از مشکلات این است که نشریات ما جنجالی‌اند. روزنامه‌های بزرگ دیگر به دنبال این نیستند که با تیتر مخاطب جذب کنند. نشریات ما هم باید حرفه‌ای شوند. از طرف دیگر نشریات باید به سمت تعاونی شدن حرکت کنند. یعنی روزنامه‌نگارها هم سهام نشریات را بتوانند بخرند. از این طریق ثبات حرفه‌ای بیشتر می‌شود و اقتصاد رسانه‌ها هم بیشتر تضمین می‌شود.

■ **من مقصودم موانعی بود که از جانب سازمان‌های رسمی بر مطبوعات تحمیل می‌شود. مثلا قبول دارید ما در زمینه آزادی مطبوعات هنوز هم با موانع جدی و تفسیرهای ناصواب از قانون مطبوعات روبه رو هستیم؟**

من سال‌هاست که در حوزه فرهنگی کار می‌کنم. ۲۵ سال پیش مدیرکل مطبوعات خارجی بودم. بر اساس تجربه‌ام باید بگویم که مشکل ما آزادی مطبوعات نیست. بسیاری از روزنامه‌نگاران در کشورهای غربی آزادی روزنامه‌نگاران را در اختیار ندارند. مشکل ما احساس عدم آزادی است. یعنی به یک خبرنگار امریکایی طوری می‌گویند فلان موضوع را نباید بنویسید که اصلا احساس نمی‌کند آزادی‌اش محدود شده است. نظام طوری طراحی شده است که هر چیزی را نمی‌تواند بنویسد. در کشور ما اما ساز و کارها طوری است که آزادی وجود دارد و خبرنگاران ما از آن استفاده هم می‌کنند اما چنین احساسی ندارند.

■ **یکی از کشورهایی که به نظر شما در مقایسه با آن، فضای آزادتری داریم را نام می‌برید؟**

امریکا.

■ **واقعا این طور فکر می‌کنید؟**

من با قاطعیت عرض می‌کنم یک خبرنگار و نویسنده که در امریکا قلم به دست می‌گیرد در ذهنش محدودیت‌هایی را تعریف می‌کند که خبرنگار و روزنامه‌نگار ما آن محدودیت‌ها را در ذهنش برای خودش نمی‌چیند. حالا بقیه کشورها بماند.

■ **در اینکه هر رسانه‌ای سیاست خودش را در پوشش رسانه‌ای دارد، شکی نیست. اما آیا مثلا در همان کشورهای اروپایی دولت‌ها تا این حد در قانون مطبوعات دخالت دارد؟ در ایران برای انتشار یک گزارش انتقادی از یک صنف مثلا پزشکان یا سایر صنوف رسانه‌ها تحت شدیدترین فشارها قرار می‌گیرند چه برسد به انتشار مطلب درباره دستگاه‌های دولتی و... این را قبول دارید؟**

ببینید در همان امریکا فرهنگ عمومی طوری افراد را تربیت می‌کند که خودشان متوجه منافع ملی هستند و قرار نیست دائما به آنها بگویند چه بنویسند چه چیزی ننویسند. از همان دوره دبستان قوانین و چارچوب منافع را افراد درک می‌کنند. درباره مطالبی که شما مثال زدید ما مشکل فرهنگی داریم. بلکه ممکن است یک وزیر هم زنگ بزند به صدا و سیما و بگوید مثلا چرا فلان سریال را پخش می‌کنید و فشار بیاورد که پخش نشود. این اتفاق‌ها کمتر در کشورهای توسعه یافته اتفاق می‌افتد. ما مساله‌مان فرهنگی است باید از کودکی این موارد را آموزش ببینیم. یکی‌اش هم این است یاد بگیریم هر چیزی که در رسانه تولید می‌شود توهین به صنف یا قومیت ما نیست.

گزارش

مطبوعات زیر بار فشار کمبود و افزایش قیمت کاغذ کمر خم کرده‌اند

احتکار ۱۷۰ هزار تن کاغذ

گروه اجتماعی | بازار کاغذ در سال‌های اخیر با نوسان‌هایی روبه رو بوده است. شوک ارزی اواخر دولت محمود احمدی‌نژاد یکی از این بدترین دوران عرضه کاغذ و خصوصا کاغذ روزنامه در ایران بود. افزایش قیمت و ناشفاف بودن میزان کاغذ وارداتی و مسائلی از این دست مطبوعات را به سختی انداخته بود. بعد از آن بازار کاغذ نوسان‌هایی را تجربه کرد اما نه به اندازه‌ای که در ماه‌های گذشته با آن مواجه بوده است. روند افزایش قیمت کاغذ از سال ۹۶ شروع شده بود اما بازار هیچ‌وقت به اندازه اکنون در التهاب نبوده است. افزایش قیمت دلار و التهابات پس از آن روی قیمت بسیاری از کالاها اثرگذار بود. از جمله اینکه قیمت کاغذ هم اثر پذیرفت.

به گزارش اعتماد آنلاین، همه این اتفاقات تنها در مدت زمانی کمتر از ۹ ماه رخ داده است و کارشناسان تحولات بازار ارز را دلیل اصلی این اتفاق عنوان کرده‌اند. رشد ۳۰۰ درصدی قیمت دلار و فقدان صنعت تولید کاغذ عملا قیمت آن را به دلار و قیمت جهانی کاغذ گره زده است. اواسط سال گذشته و پیش از نوسانات بازار ارز، افزایش قیمت جهانی کاغذ باعث شد تا اولین شوک به بازار آن وارد شود. کاغذ ۲۵ درصد گران شد، اتفاقی که حتی با ورود سازمان تعزیرات نتوانست نوسانات را مهار کند و تغییرات صوری در فاکتورهای فروش راه گریزی بود که عملا نظارت بر بازار کاغذ را تا حدودی خنثی کرد. عباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی حدود دو هفته قبل هشدار داد که ذخیره کاغذ کشور تا پایان شهریورماه تمام می‌شود. این مشکلات نفس مطبوعات، نشریات، چاپخانه‌ها و تمامی مشاغل مرتبط با این کار را به شماره انداخته است. چاپخانه‌ها یکی پس از دیگری یا فعالیت خود را محدود کرده یا آنکه مجاب به تعطیلی می‌شوند. روزنامه‌های سراسری و بومی برای جبران معضل کاغذ و تامین قیمت خرید کاغذ به سیاست‌های انقباضی مثل تعدیل نیروها و کاهش صفحات و بعضا توقف انتشار کاغذی روی آورده‌اند. انتشار کتب و نشریات هم بیش از هر زمان دیگری تقلیل پیدا کرده و همین اتفاق نوعی اولویت‌بندی در عقد قراردادها و چاپ کتاب‌ها به بازار تحمیل کرده است که نگرانی و اعتراضاتی را با خود به همراه داشته است.

۲۶۰ میلیون دلار ارز تخصیصی چه شد؟

در ماه‌های اخیر دولت اعلام کرد که برای کاهش این التهابات، کنترل قیمت و حمایت از مطبوعات ارز ۴هزار و ۲۰۰ تومانی در اختیار واردکنندگان قرار می‌دهد. آن‌طور که محمدرضا دربندی مدیرکل مطبوعات داخلی اعلام کرده ۲۶۰ میلیون دلار ارز ۴هزار و ۲۰۰ تومانی برای واردات کاغذ به واردکنندگان تخصیص داده شده است. اما سرنوشت این ۲۶۰ میلیون دلار چه شد؟ آیا واقعا کاغذ به کشور وارد شد؟ و اگر کاغذ وارد شده به دست مصرف‌کننده رسیده است؟ حسین زارع، یکی از فروشندگان کاغذ به «اعتماد» می‌گوید: «خیلی صادقانه باید بگویم که همه این مشکلات ناشی از رانت است. دولت در بازار کاغذ خودش را با کارخانه چوب و کاغذ مازندران هماهنگ کرده آنها هم بر اساس سیاست‌های خودشان بازار را تنظیم می‌کنند.» او می‌افزاید: «کلی کاغذ در گمرک است اما اجازه ترخیصش را نمی‌دهند. امروز کاغذ کاهی روزنامه شده کیلویی ۷ هزار و ۲۰۰ تومان. چه کسی می‌خواهد جواب این را بدهد؟ بازار کاغذ مساله پیچیده‌ای نداشت و هیچ‌وقت با کسری کاغذ برنخوردیم حتی در سال ۹۲ که قیمت دلار چهار برابر شده بود. این ناشی از رانتی است که به شرکت چوب و کاغذ مازندران دادند. آنها اعلام کرده‌اند از روز شنبه کاغذ روزنامه را هر کیلو ۴هزار و ۳۷۵ تومان می‌فروشند. معنی‌اش این است تا این کاغذ فروش نرود کاغذهای باقی مانده در گمرک ترخیص نخواهد شد.» مدیرکل مطبوعات و خبرگزاری‌های داخلی وزارت ارشاد، سه روز قبل در نشست خبری با خبرنگاران در پاسخ به این سوال که ۲۶۰ میلیون دلار ارز ۴هزار و ۲۰۰ تومان به چه کسانی داده شده است؛ از اسامی واردکنندگان اظهار بی‌اطلاعی کرد و گفت: «از نظر قانونی وزارت ارشاد در این باره مسوولیتی ندارد اما وقتی دیدیم مشکلات مطبوعات زیاد است کمیته کاغذ را برای ساماندهی به این مساله تشکیل دادیم. چند بار هم فهرست دریافت‌کنندگان ارز را از وزارت صنعت، معدن و تجارت تقاضا کرده‌ایم که مکاتبه‌های ما تاکنون بی‌پاسخ مانده است. البته بخشی از ثبت سفارش‌ها مربوط به کاغذ مورد نیاز ناشران بوده اما هنوز فهرستی به دست ما نرسیده است.» با این حال دربندی تایید کرد که حراست وزارت ارشاد به تخلف دو واردکننده کاغذ پی برده است: «جوان ۲۵ ساله‌ای که دو ماه قبل شرکتش را ثبت کرده بود برای واردات کاغذ، ارز گرفته است.» به گفته این مقام مسوول در وزارت ارشاد در ماه‌های گذشته معمولا کسانی دلار گرفته‌اند و اصلا کاغذ وارد نکرده‌اند و افراد دیگری دلار گرفته‌اند و کاغذ وارد کرده‌اند اما به قیمت ارز آزاد فروخته‌اند.

این تنها نقطه شائبه‌برانگیز واردات کاغذ نیست. چنانکه به گزارش «اعتماد آنلاین» در همان بدو کار، گمرک طی بخشنامه‌ای برای مهار افزایش احتمالی کاغذ در سال ۹۷، اعلام کرد که «واردات انواع کاغذ که تنها به منظور نوشتن، چاپ، تحریر و مطبوعات و دفاتر تحریر به کار می‌رود، از پرداخت مالیات و عوارض معاف است.» این بخشنامه نه تنها تسهیل‌کننده واردات کاغذ و حلال مشکلات چاپ و مطبوعات و نشریات نبود، بلکه با ورود و نفوذ چهره‌های غیرمرتبط در جریان واردات کاغذ بلای جان آنان شد. تخصیص ارز دولتی به واردکنندگان کاغذ در نهایت سر از ماجراهایی بیرون آورد که عملا بازار کاغذ در کشور را فلج کرد. بخشی از این واردات صرفا شکل صوری داشت و واردکنندگان با ارز دولتی به جای کاغذ، کالاهای دیگر و بعضا غیرضروری و گران وارد کشور کردند. رقم‌های باورنکردنی در ماجرای واردات کاغذ تعجب همه را به خود جلب کرد، اینکه با وجود تخصیص منابع ارزی چگونه کاغذ مصرفی کشور هنوز تامین نشده است. همان زمان حسن میرباقری، رییس انجمن واردکنندگان کاغذ و مقوا گفته بود که «بیش از ۹۰ درصد این شرکت‌ها عضو انجمن نیستند و ۸۰ درصد آنها را اصلا نمی‌شناسم. اغلب ارقامی که دریافت شده هنوز کالایی وارد نکرده‌اند. این افراد یا اساسا کالای خود را وارد نمی‌کنند یا به موقع وارد نمی‌کنند.» اخبار بعدی به مراتب عجیب‌تر بود. کمتر از ۱۰ نفر با ثبت چند شرکت صوری و غیرمرتبط با صنعت چاپ، بالغ بر ۲۰ تا ۳۰ میلیون یورو ارز دولتی برای واردات کاغذ دریافت کردند، آن هم در حالی که هیچ خبری از کاغذ وارداتی نیست و حتی شرکت‌های ثبت‌شده وجود خارجی ندارند.

از اواخر خردادماه سال جاری تا امروز در مدتی کمتر از ۶۰ روز نوسانات کاغذ آنچنان متفاوت و عجیب بود که حتی فعالان عرصه چاپ هم نمی‌توانستند قیمت روز را برای هفته بعد تضمین کنند. برهمین اساس فروش اقساط و نقدی کاغذ لغو و تنها به شکل پیش‌فروش از سوی تجار کاغذ قابل قبول بود که این مساله عملا چند روزنامه را یا به تعطیلی کشانده یا در روزهای پایانی حیات خود قرار داده است. نامه‌نگاری‌های اخیر رییس اتاق اصناف به وزیر صنعت برای سامان بخشیدن به بازار کاغذ که امروز با رشد قیمتی ۳۰۰ تا ۴۰۰ درصدی قیمت نسبت به پاییز ۹۶ همراه است، حداقل تا امروز نتیجه‌ای نداشته است. البته محمد شریعتمداری، وزیر صنعت، معدن و تجارت یکی از راهکارهای نجات‌بخش را حذف عوارض کاغذ باطله دانسته و در نامه‌ای خطاب به معاون اول رییس جمهوری خواستار تامین کاغذ و مقوای داخلی شده است.

احتکار ۱۷۰۰ تن کاغذ

واقعیت آن است که موجودی تامین کاغذ کشور نه تنها تا پایان تابستان بلکه برای یک سال آینده نیز کافی است و در این میان احتکار کاغذ از سوی واردکنندگان پنجه بر گلوی نشریات و مطبوعات انداخته است. پیگیری‌های اعتماد آنلاین مشخص کرد که قریب به ۱۷۰ هزار تن کاغذ در گاوداری‌های اطراف تهران احتکار شده و صاحبان آن قصدی برای فروش آن نداشته و ترجیح می‌دهند تا کاغذی که از پایه قیمت ۲ تا ۲هزار و ۵۰۰ تومان مرز ۷هزار و ۵۰۰ تومان را گذرانده است، ارزش بیشتری پیدا کرده و با قیمت بالاتری به فروش برسانند. یکی از چاپخانه‌داران تهران در این خصوص به اعتماد آنلاین گفته است که «اگرچه نوسانات ارز شروع‌کننده تحولات بازار کاغذ بوده ولی نمی‌تواند پایان‌دهنده آن باشد، چون سیاست‌های اشتباه اقتصادی دولت، اعتماد و ارتباط بین تجار و دولت را مخدوش کرده است». تضعیف تعاملات و ارتباطات بین تجار و دولت یک نتیجه دیگر هم با خود به همراه داشته و آن، رقابت‌های پیدا و پنهان برای کسب منافع حداکثری ولو آنکه منافع عمومی و ملی تضعیف شود. ادبیاتی که از درون آن اقداماتی چون کم‌فروشی، احتکار، قاچاق و گرانفروشی توجیه‌پذیر می‌شود.

مطبوعات ضعیف‌تر از فست‌فودها

تنزل توان مالی مطبوعات با توجه به تغییر چندین و چندباره قیمت کاغذ و رشد تصاعدی آن و نیز تغییر شرایط فروش کاغذ باعث شده تا واردکنندگان و تجار بازار کاغذ به دنبال خریداران توانمندتری باشند و در این میان استقبال فست‌فودها باعث شده تا کاغذها قبل از آنکه در چاپخانه‌ها برای صفحات روزنامه برش و قطع زده شوند، در ابعاد بشقاب‌ها، جعبه‌های سفارشی بیرون‌بر و ساندویچ‌ها طراحی شوند. این شاید تلخ‌ترین خبر در روز خبرنگار برای جامعه مطبوعات باشد که کمبود کاغذ دیر یا زود آنان را خانه‌نشین می‌کند. چرا که رسانه امروز توان سابق را ندارد و از طرف دیگر فرار از شفافیت باعث شده تا مطبوعات در تامین حتی نیازهای مقدماتی خود عاجز باشد. شاید تشکیل یک سندیکای مطبوعاتی بتواند راهکاری باشد تا واردات کاغذ مطبوعاتی را در انحصار مطبوعات قرار دهد ولی قبل از همه این اتفاقات باید دولت مسوولیت خود را در مساله واردات، تخصیص تسهیلات اعم از ارز دولتی و معافیت مالیاتی و عوارضی و همین‌طور حمایت از مصرف‌کنندگان و برخورد با تخلفات از جمله احتکار و گرانفروشی و کم‌فروشی بپذیرد.

وعده‌های امیدوارکننده

بنا به اعلام دولت در بسته جدید ارزی کاغذ چاپ، تحریر و کاغذ روزنامه به منظور تامین ارز ترجیحی و حمایت از فعالیت‌های فرهنگی و رسانه‌ای در فهرست کالاهای گروه یک کالای اساسی و ضروری قرار گرفته است. یعنی اینکه باز هم واردکنندگان کاغذ ارز ۴هزار و ۲۰۰ تومانی دریافت می‌کنند. اما در شرایطی که هنوز سرنوشت ۲۶۰ میلیون دلار ارز تخصیصی روشن نشده آیا می‌توان امیدوار بود که فسادهای ناشی از این تصمیم بر التهابات و افزایش قیمت نیفزاید؟ به گفته مدیرکل مطبوعات داخلی وزارت ارشاد دولت با «پنج واردکننده شناخته شده کاغذ» مذاکره کرده تا آنها کاغذ وارداتی‌شان را با قیمت مشخص به بازار عرضه کنند. همچنین محمدرضا دربندی گفته است کمیته کاغذ زمینه واردات یا ترخیص ۶۰ هزار تن کاغذ را فراهم کرده که ۲۰هزار تن آن ظرف روزهای آتی وارد بازار می‌شود. به گفته او روزنامه‌های خراسان جنوبی، همشهری و جام جم هم برای واردات کاغذ موردنیازشان ارز دریافت خواهند کرد. دربندی گفت: «از رسانه‌هایی که ارز دریافت می‌کنند تعهد گرفته‌ایم که کاغذشان صرفا برای استفاده خودشان باشد و اگر از این مقداری هم که خریداری می‌کنند، کاغذی ماند، آن را در اختیار ما قرار دهند تا در بازار مصرف‌کنندگان کاغذ روزنامه توزیع کنیم.» حالا با این توضیحات شاید بتوان امیدوار بود که التهابات فعلی بازار کاغذ فروکش کند و کاغذ مورد نیاز مطبوعات و ناشران به قیمت مناسب در بازار توزیع شود. اما به جز تامین کاغذ مساله حل نشده دیگری هنوز باقی است. سرنوشت آن ۲۶۰ میلیون دلار و تخلف‌های گسترده‌ای که به تعدادی از درخواست‌کنندگان واردات مرتکب شده‌اند چه می‌شود؟ آیا وزارت صنعت و بانک مرکزی فهرست دریافت‌کنندگان آن ۲۶۰ میلیون دلار را منتشر می‌کنند؟ و آیا پرونده قضایی برای متخلفان تشکیل می‌شود؟ پاسخ این پرسش‌ها خیلی زود روشن می‌شود.

برش

■ از نظر قانونی وزارت ارشاد در این باره مسوولیتی ندارد اما وقتی دیدیم مشکلات مطبوعات زیاد است کمیته کاغذ را برای ساماندهی به این مساله تشکیل دادیم. چند بار هم فهرست دریافت‌کنندگان ارز را از وزارت صنعت، معدن و تجارت تقاضا کرده‌ایم که مکاتبه‌های ما تاکنون بی‌پاسخ مانده است.

■ تنزل توان مالی مطبوعات با توجه به تغییر چندین و چندباره قیمت کاغذ و رشد تصاعدی آن و نیز تغییر شرایط فروش کاغذ باعث شده تا واردکنندگان و تجار بازار کاغذ به دنبال خریداران توانمندتری باشند و در این میان استقبال فست‌فودها باعث شده تا کاغذها قبل از آنکه در چاپخانه‌ها برای صفحات روزنامه برش و قطع زده شوند، در ابعاد بشقاب‌ها، جعبه‌های سفارشی بیرون‌بر و ساندویچ‌ها طراحی شوند.

■ نامه‌نگاری‌های اخیر رییس اتاق اصناف به وزیر صنعت برای سامان بخشیدن به بازار کاغذ که امروز با رشد قیمتی ۳۰۰ تا ۴۰۰ درصدی قیمت نسبت به پاییز ۹۶ همراه است، حداقل تا امروز نتیجه‌ای نداشته است. البته محمد شریعتمداری، وزیر صنعت، معدن و تجارت یکی از راهکارهای نجات‌بخش را حذف عوارض کاغذ باطله دانسته و در نامه‌ای خطاب به معاون اول رییس جمهوری خواستار تامین کاغذ و مقوای داخلی شده است.

■ واقعیت آن است که موجودی تامین کاغذ کشور نه تنها تا پایان تابستان بلکه برای یک سال آینده نیز کافی است و در این میان احتکار کاغذ از سوی واردکنندگان پنجه بر گلوی نشریات و مطبوعات انداخته است.

■ پیگیری‌های اعتماد آنلاین مشخص کرد که قریب به ۱۷۰ هزار تن کاغذ در گاوداری‌های اطراف تهران احتکار شده و صاحبان آن قصدی برای فروش آن نداشته و ترجیح می‌دهند تا کاغذی که از پایه قیمت ۲ تا ۲هزار و ۵۰۰ تومان مرز ۷هزار و ۵۰۰ تومان را گذرانده است، ارزش بیشتری پیدا کرده و با قیمت بالاتری به فروش برسانند.

■ از رسانه‌هایی که ارز دریافت می‌کنند تعهد گرفته‌ایم که کاغذشان صرفا برای استفاده خودشان باشد و اگر از این مقداری هم که خریداری می‌کنند، کاغذی ماند، آن را در اختیار ما قرار دهند تا در بازار مصرف‌کنندگان کاغذ روزنامه توزیع کنیم.

نگاه دانشگاه

محسنیان‌راد، استاد ارتباطات در تحلیل احتکار کاغذ و بازار آشفته آن گفت

چرا روزنامه‌نگاران نمی‌توانند حقوق حقه خود را به دست آورند

گروه اجتماعی | کاغذ مهم‌ترین کالای اولیه برای تولید در مطبوعات است اما بازار کاغذ بدون حضور مطبوعاتی‌ها اداره می‌شود به این معنا که واردکنندگان و اتحادیه کاغذفروشان هیچ ارتباط مشخص و شفافی با مطبوعات و رسانه‌های کاغذی ندارند. در چنین شرایطی و با وجود آنکه مطبوعاتی‌ها از پاییز سال گذشته گرفتار تامین کاغذ و گرانی قیمت آن به سبب خالی بودن بازار شدند، عملا نتوانستند دولت را مجاب کنند که برای حل مساله از خود مطبوعاتی‌ها کمک بگیرد. نتیجه این شد که دلار ۴هزار و ۲۰۰ تومانی تخصیص یافته به واردات کاغذ توسط وزارت صنعت، معدن و تجارت به کسانی تعلق گرفت که هم، سن و سال‌شان به این کار نمی‌آمد و هم دستی در بازار کاغذ و انتشار مطبوعات و صنعت نشر نداشتند. مهدی محسنیان‌راد، استاد تمام علوم ارتباطات در گفت‌وگو با «اعتماد» ناتوانی مطبوعات در دفاع از حقوق خود برای جلوگیری از رانت و سوءاستفاده در بازار کاغذ را تحلیل کرده است.

■ **جامعه مطبوعاتی ایران هیچگاه موفق به دفاع از حقوق صنفی و اقتصادی خود نبوده است. شرایط امروز بازار کاغذ مطبوعات هم گویای همین وضعیت است. بنا بر اعلام رسمی، ۲۶۰ میلیون دلار با قیمت دولتی ۴ هزار و ۲۰۰ تومان، توسط وزارت صنعت، معدن و تجارت در اختیار افراد غیر مطبوعاتی قرار گرفته که کاغذ وارد کنند در حالی که این میزان ارز، یا به مصارف غیر از واردات کاغذ رسیده، یا در بازار با قیمت گران‌تر فروخته شده یا حتی اگر با این ارز، کاغذ وارد شده، کاغذ وارداتی در انبار احتکار شده و به دست اهالی مطبوعات نرسیده است. سوال این است که چرا این ارز در اختیار موسسات مطبوعاتی همچون دنیای اقتصاد و اطلاعات و کیهان قرار نگرفت بلکه به افراد غیر مطبوعاتی داده شد که امروز اعلام شود کل موجودی کاغذ مطبوعات کشور، تا پایان شهریور تمام خواهد شد؟**

در واقع سوال شما از من این است که چرا در ایران، روزنامه‌نگاران نمی‌توانند حقوق حقه خود را به دست بیاورند. گاهی دستیابی به حقوق حقه یک مجموعه، نیازمند تعادل قدرت در دهنده این نیاز و گیرنده این نیاز است. به عنوان نمونه، روابط فیمابین تجار بازار تهران از این دست است اما رابطه روزنامه‌نگاران ایران با حکومت، به هیچ‌وجه یک رابطه افقی موازی همچون رابطه تجار بازار تهران نیست. با روزنامه‌نگاران ایران به گونه‌ای رفتار شده که رابطه حکومت با روزنامه‌نگاران، مثل رابطه یک پدر مقتدر است که هر کار دلش می‌خواهد انجام می‌دهد و چندان به حقوق مورد ادعای فرزندانش قائل نیست. طبیعی است که در چنین شرایطی شاهد هر وضعیتی باشیم که شرایط امروز کاغذ مطبوعات هم نمونه‌ای از این وضعیت است. اصلا چه کسی گفته که باید به مطبوعات کاغذ بدهند؟ به مطبوعات کاغذ ندهند، روزنامه‌نگاران را به زندان هم نیندازند و روزنامه‌ها را توقیف هم نکنند تا مطبوعات هم کارشان را درست انجام بدهند و مردم هم، چند برابر قیمت امروز روزنامه‌ها، پول برای خرید روزنامه می‌دهند تا نیازهای خبری‌شان را تامین کنند. روند طبیعی این است که مطبوعات هم مانند هر عرضه‌کننده خدمات یا کالا، متناسب با تقاضا زندگی اقتصادی داشته باشند.

اما وضعیتی که امروز، مطبوعات ایران را گرفتار کرده به دلیل همین یارانه‌ای است که به مطبوعات می‌دهند و آنها را نیازمند می‌کنند در حالی که اگر مطبوعات را آزاد می‌گذاشتند، وضعیت مطبوعات و کشور به اینجا نمی‌رسید که یکی از نفت‌خیزترین کشورهای جهان دچار فقر و شرایط خاص شود. من در مورد توزیع کاغذ دولتی هیچ حقی برای مطبوعات قائل نیستم. چرا باید مطبوعات را به این روز بیندازند؟ چرا باید کاری کنند که مطبوعات به این سرنوشت گرفتار شوند که دست‌شان رو به حکومت دراز باشد؟ و چرا به جای اینکه ارز کاغذ را به فرد مطبوعاتی بدهند، به افراد غیر مطبوعاتی داده‌اند آن هم در شرایطی که کشور به‌شدت نیازمند بوده و باید اقدامی صورت می‌گرفت که حداقل در این بازار فساد و شرایط بحرانی چنین اتفاقی برای مطبوعات نیفتد؟ کاغذ برای مطبوعاتی‌ها خیلی مهم است اما چه کسی گفته که کاغذ مطبوعات، از داروی خارجی یک بیمار در حال شیمی‌درمانی که تمام زندگی‌اش را هم فروخته و در حال مرگ است و امروز از پرداخت هزینه درمان ناتوان است، مهم‌تر است؟ اگر کمبود کاغذ مطبوعات یک استثنا بود، من با روزنامه‌نگاران همدردی می‌کردم اما شرایط تمام کالاها همین گونه است و کاغذ مطبوعات، استثنا نیست. بسیاری از قطعات یدکی اتومبیلی که مخارج یک خانواده را تامین می‌کرد نایاب شده. فکر می‌کنید برای این خانواده که خریدار هر روزه روزنامه اعتماد هم بوده، توقف انتشار روزنامه اعتماد به دلیل نبود کاغذ مهم‌تر است یا اینکه وسایل یدکی ماشینش پیدا نمی‌شود و او از نان خوردن افتاده؟ البته ظاهر حرف‌های من این است که به مطبوعات حمله می‌کنم و با مطبوعات همدردی نمی‌کنم، اما با ذره‌ای تعمق، می‌بینید که در دل این حرف‌ها پر از همدردی است و این همدردی فراتر از تامین کاغذ است و با تمام حوزه‌های زیستی شماست.

■ **هر زمان دولت اقدامی در حوزه مطبوعات انجام داده، اتفاقا آثار زیانبار این اقدامات برای مطبوعات بیش از منفعتش بوده است. چرا دولت دست از دخالت در امور زیربنایی یا معمولی مطبوعات برنمی‌دارد؟**

فکر می‌کنم هم شما و هم سردبیر روزنامه اعتماد پاسخ این سوال را می‌دانید. یک حکومت ایدئولوگ و مسلکی اگر در هر چیزی دخالت نکند، قطعا در کارکرد و رسالت و ساختار رسانه‌هایش دخالت می‌کند. از آنجا که حکومت ایران، یک حکومت مسلکی است، بدیهی است که شاهد این وضعیت باشیم. در قانون اساسی آمده که رادیو و تلویزیون باید در دست دولت باشد. سرتاپای تیراژ روزنامه‌های ایران، یک میلیون نسخه است. ببینید که این تیراژ در مقابل تعداد گیرنده‌های تلویزیون و رادیو که در ایران روشن است چه عدد ناچیزی است. چرا اگر رادیو و تلویزیون انحصار دولتی دارد و هر آنچه می‌خواهد می‌گوید و هر آنچه نمی‌خواهد، نمی‌گوید، در نظر اهالی مطبوعات غیر عادی نیست اما وضعیت مشابه در مورد مطبوعات را غیرعادی می‌بینند؟ این شرایط در ایران، با ساختار موجود قدرت، کاملا طبیعی است.

■ **آیا مطبوعات باید خودشان را با این شرایط وفق دهند؟**

خیر، باید این وضعیت را تغییر دهند چون این وضعیت صحیح نیست. اهالی مطبوعات باید باور کنند که کاملا در یک فضای نادرست حرکت می‌کنند و باید آن را اصلاح کنند. من ۷۳ سال دارم و زورم بیش از این نمی‌رسد و نهایت اینکه با شما مصاحبه کنم اما شما باید تغییرات را ایجاد کنید.

نگاه مدیرمسوول-۱

ارز دولتی را به دست چه کسانی سپردید؟

سیف‌الله یزدانی

مدیر مسوول هیچ نهاد فرهنگی و روزنامه‌ای کارش تجارت نیست. به جز تعاونی مطبوعات هیچ‌یک از تشکل‌های مربوط به رسانه‌ها و نشریات سبقه کار تجاری ندارند. اصل کار در نشریات و رسانه‌های این است که عده‌ای از اهالی دانش و قلم و فرهنگ جمع شده‌اند تا بخش اطلاع‌رسانی کشور را شکل دهند و برای همین است که موضوع تجارت کاغذ و رفع کمبود بازار جزو وظایف نهادهایی است که تخصص این کار را دارند. حالا سوال اصلی ما این است که آیا وزارت صنعت، معدن و تجارت و هر نهاد دیگری که این وظیفه را بر عهده دارد آیا واقعا این ساز و کار را فراهم کرده است یا نه؟ سابق بر این بازرگانی دولتی و نشرآوران وزارت ارشاد، در زمان جنگ مرکز تهیه و توزیع چوب و کاغذ را داشتیم و این امور متولی داشت، متولیانی که نسبت به کسانی که قرار بود از این اقلام بهره ببرند احساس مسوولیت می‌کردند و سعی می‌کردند بازار پشتیبانی مطبوعات را سر پا نگه دارند. آیا حالا نسبت به ملزومات رسانه‌ها این ملاحظات صورت گرفته است یا اینکه صرفا اعلام کنیم که جهت تامین کاغذ مورد نیاز فرهنگ و مطبوعات ارز دولتی مورد نیاز تامین شده است؟ آیا این شیوه مدیریت مسوولانه است؟ به کسانی که کارشان قلم و اطلاع‌رسانی و حفظ حیثیت فرهنگی جامعه است نمی‌توانید بگویید ارز اختصاص داده شده و حالا بروید کاغذ مورد نیازتان را تامین کنید. مگر وقتی پای تغذیه کودکان در میان باشد می‌توانیم مواد اولیه غذایی را در اختیارشان بگذاریم و بگوییم سیر شوید؟ تاسف از این است که در مقطعی در جریان تخصیص ارز به اصطلاح کار از سر باز شده است. این ارز به دست کسانی سپرده شد که به موضوع فرهنگ هم کاملا کاسبکارانه و تجاری نگاه کردند. به اعتقاد من این اندیشه‌ها را باید اصلاح کرد چون نمی‌شود همه چیز را بر مبنای تجارت و سود پیش برد. رسانه‌ای که نمی‌تواند کاغذ مورد نیازش را به دست آورد باید خبرنگارش را دنبال تهیه کاغذ بفرستد؟ روزنامه باید وارد بازار معاملات کاغذ شود؟ نمی‌توان با حوزه فرهنگ اینگونه برخورد کرد و باز هم باید پرسید که این ارز را دست چه کسانی سپردید و چقدر نسبت به امانتداری آنها اطمینان داشتید؟

نتیجه این نحوه عمل این است که حدود ۲۰ هزار فرصت شغلی سطح بالا در خطر افتاده است. اشتغال در مطبوعات در رده تولیدهای ساده نیست، اشتغال تحصیلکرده‌ها و فرهیختگان است و از جمله حساس‌ترین بخش‌های کشور محسوب می‌شود و حالا این بخش به حال و روز کنونی افتاده فقط به این دلیل که در زمان تامین کاغذ به آنها گفته شد که ارز مورد نیاز تامین شده و حالا بگردید دنبال کاغذ. بیت‌المال و پول مردم هزینه شده است تا بازار چاپ و مطبوعات تعادلش را حفظ کند، نه اینکه در این میان بگردیم دنبال قاچاقچیان ارز. وضع مطبوعات بزرگ و پرسابقه کشور هم در خطر افتاده است و باید برای گذر از این وضعیت فکری اساسی شود.

نگاه مدیرمسوول-۲

مشکل کاغذ مجوز فله‌ای به واردات است

مهدی رحمانیان

ما در روزنامه شرق برای حل روزنامه کاغذی خیلی تلاش کردیم. هم با همکاران‌مان و وزارت ارشاد جلسات زیادی برگزار کردیم و هم مطالبی را درباره مشکل کاغذ منتشر کردیم و از مشکلاتی که کمبود کاغذ برای رسانه‌ها به وجود آورده نوشته‌ایم. اما نکته این است که مساله کاغذ به روزنامه‌ها ارتباطی ندارد. وقتی دولت فله‌ای به دو شرکتی که حوزه کاری‌شان اصلا کاغذ نبوده و نیست، ارز اختصاص می‌دهد، کاری از دست رسانه‌ها برنمی‌آید. رسانه‌ها هم که خبر از این موضوع نداشتند. ما اولین بار موضوع احتکار کاغذ را منتشر کردیم و بعد از آن گزارش‌های مفصلی درباره این موضوع نوشتیم. ما در روزنامه شرق آن دو شرکت را شناسایی کردیم. دفتری که اجاره کرده بودند و بعد تحویل داده بودند را پیدا کردم. همه این موارد را هم در قالب گزارش در روزنامه شرق منتشر کردیم. به نظرم رسانه‌ها از آنجایی که نمی‌توانند پیشگویی کنند، طبیعی است که بعد از اینکه اتفاقی بیفتد، به موضوع می‌پردازند. ما هم همین کار را کردیم.

فکر می‌کنم مساله کاغذ ظرف یک هفته آینده حل می‌شود. موضوع به جاهای نسبتا خوبی رسیده است. فکر می‌کنم ۷-۶ هزار تن کاغذ ظرف هفته آینده از نوشهر بارگیری می‌شود و به تهران ارسال می‌شود و ان‌شاءالله روند بهبود پیدا می‌کند. الان پیش‌بینی‌هایی شده و اگر ان‌شاءالله این پیش‌بینی‌ها تحقق پیدا کند من فکر می‌کنم که ما این گردنه سختی که هم برای کشور هست و هم برای ما در عرصه رسانه وجود دارد، پشت سر خواهیم گذاشت.

مدیرمسوول روزنامه شرق

نگاه مدیرمسوول-۳

کاغذ شیشه‌ای

هادی فیاضی

حل بحران کاغذ مطبوعات تنها یک راه دارد؛ شفافیت. اگر دولت مصمم است با قرار دادن کاغذ مطبوعات در لیست کالاهای اساسی کشور، به خیال خودش حال مطبوعات را خوب کند، باید قبلا تکلیف چند مورد را برای خودش، اهالی رسانه و مردم مشخص کند:

■ پرونده ۳۴ میلیون یورو ارز دولتی که به ۲۳ شرکت اختصاص داده شد. اینکه یک لیست منتشر شود با چند عدد و اسم که شفافیت نیست. اتفاقا شفافیت نصفه و نیمه ضد روشنگری است و بر ابهامات می‌افزاید. باید مشخص شود بیش از ۴۰ هزار تن کاغذ در مرحله اول ثبت سفارش چه شد؟ گزارش‌های رسانه‌ها درباره ۲ شرکت کذایی که ۲۳ میلیون یورو برای واردات کاغذ روزنامه، ارز دولتی گرفته بودند، بی‌جواب مانده و مگر می‌شود این میزان ارز تخصیص یابد و قیمت کاغذ امروز کیلویی ۶۵۰۰ تومان باشد؟ اینکه بگوییم «عده‌ای ارز گرفتند و سوءاستفاده کردند و جنس را وارد نکردند یا بخشی از جنس را وارد کردند و بخش دیگر را در بازار آزاد فروختند و مشکلات دیگری به وجود آمد، بنابراین طرح به گونه‌ای شد که در کنارش رانت و فساد به‌وجود آمد» تمام است؟ مشکل حل شد؟! ما رسانه‌ای‌ها هم تا تعیین تکلیف ۴۲ میلیون یورو به مردم یک گزارش بدهکاریم و البته به خودمان.

■ وضعیت روزنامه‌های دولتی، عمومی و شبه‌دولتی. دولت باید مشخص کند با چه استدلالی می‌خواهد همچنان با ضرر موسسات مطبوعاتی غیرخصوصی خودش را بدهکار تر کند؟ اصلا دلیل ایجاد کارگروه کاغذ با حضور موسسات مطبوعاتی دولتی و عمومی چیست؟ مگر دولت وظیفه‌اش تامین کاغذ بنگاه‌های دولتی است؟ آیا دولت مجری اجرای قانون برنامه توسعه ششم نیست که بر رفع تبعیض برای بخش خصوصی و صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی دولت تاکید می‌کند؟!

موسسات مطبوعاتی دولتی و عمومی هر روز برای دولت و حاکمیت خرج می‌تراشند و هیچ‌کس نمی‌داند چند نسخه تولید می‌کنند و از همه مهم‌تر چند نسخه می‌فروشند؟!

■ امنیت شغلی خبرنگار. وقتی سیاست‌های اجرایی درباره مطبوعات هر روز امنیت شغلی روزنامه‌نگاران را متزلزل تر کند، کاغذ روزنامه چه دردی از رسانه‌ها دوا می‌کند؟ چه کسی است که نداند بحران اقتصادی که این روزها گریبان رسانه‌های بخش خصوصی را گرفته، چه عواقب خطرناکی برای معیشت روزنامه‌نگاران دارد؟

■ آیا فقط ارز به کاغذ اختصاص بدهیم، می‌توانیم جلوی خیل عظیم روزنامه‌نگاران در شرف بیکاری را بگیریم؟ دولت مهم‌تر از ارز کاغذ، برای بهبود وضعیت معیشتی و تداوم اشتغال خبرنگاران چه چیزی را اختصاص می‌دهد؟ در پایان مجدد تاکید می‌کنم اگر کاغذی قرار است بیاید و وضعیت توزیع و انبار و تخصیص آن مشخص نباشد، دو ماه دیگر باز خواهیم گفت: «در کنارش رانت و فسادی به وجود آمد» و آن وقت روز از نو، ارز از نو.

مدیر مسوول خبرورزشی

نگاه مدیرمسوول-۴

حمایت وزارت ارشاد برای عبور از بحران

سعید تقی‌پور

ما آدم‌های اهل سایه و آب خنک هستیم. وقتی که فراوانی هست استفاده می‌کنیم و کارهای‌مان را به سهولت انجام می‌دهیم، زمانی که شرایط دشوار می‌شود مقاومت و تاب‌آوری لازم را نداریم. در مورد موضوع کاغذ در مطبوعات هم همین روحیه دیده می‌شود، سال‌ها کاغذ در اختیار مطبوعات بود و مدیران روزنامه‌ها - به استثنای چند روزنامه- به این موضوع فکر نمی‌کردند که اگر زمانی کاغذ نباشد چطور روزنامه منتشر کنند. حالا که این بحران ایجاد شده به این فکر افتاده‌ایم که روزنامه‌ها کاغذ مورد نیاز را خودشان وارد کنند تا توسط دلالان و تجار، شرایط و قیمت به آنها تحمیل نشود. اما این راه باید زودتر بسته می‌شد.

موضوع قابل تامل دیگر در این رابطه، این است که دولت باید در بازار ثبات ایجاد کند. در چند ماه اخیر قیمت دلار چندین بار نوسان چشمگیر داشت. با این بی‌ثباتی در رویه‌های دولت، امکان تصمیم‌گیری از تمام فعالان اقتصادی و مدیران نشریات گرفته می‌شود. نهادهای تاثیرگذار در این زمینه باید به یک ثبات رویه فکر کنند.

این انتظاری است که از دولت و در مفهوم عام‌تر از حاکمیت می‌توان داشت. در مورد شرایط فعلی مطبوعات هم معاونت مطبوعاتی وزارت ارشاد می‌تواند تمهیداتی را به کار گیرد که مطبوعات برای انتشار نگران نرخ ارز نباشند و سازوکارهایی هم در نظر بگیرند که ملزومات دیگر اعم از زینک و کاغذ را با برنامه‌ریزی تهیه کنند.

قیمت تمام‌شده هم مساله‌ای است که تشکل‌های مطبوعاتی باید به آن فکر کنند و راهکارهایی را در نظر بگیرند که وابستگی کاغذ به ارز حاصل از فروش نفت کاهش پیدا کند. این راهکار که دولت کاغذ را در اختیار موسسات مطبوعاتی قرار دهد، یک راهکار موقت است. اما کنترل و نظارت زمانی ضروری می‌شود که زمینه سوءاستفاده فراهم باشد، این اتفاق هم وقتی می‌افتد که قیمت کالا در نتیجه نوسان قیمت دلار افزایش و کاهش دارد. پس باز به این نتیجه می‌رسیم که ثبات اهمیت بیشتری از قیمت کالا دارد.

دولت در این موارد به‌طور موقت می‌تواند تاثیرگذار باشد و با طرح‌های مختلف زمینه را برای ارایه کاغذ با قیمت منصفانه به مطبوعات فراهم کند. در حال حاضر اما به این نتیجه رسیده‌اند که روزنامه‌ها خودشان کاغذ وارد کنند، اما از آنجا که روزنامه‌ها که به اندازه تجار به بازار اشراف ندارند، در این بحران باید بتوانیم با حمایت وزارت ارشاد و دستگاه‌های دیگر تلاش کنیم که بتوانیم از تعطیل شدن نشریات جلوگیری کنیم، چرا که این خطر برای مطبوعات وجود دارد.

البته مداخله وزارت ارشاد و نهادهای دیگر موقت است تا زمانی که بازار به آرامشی برسد. اما زمانی که باز وضعیت بازار کاغذ به آرامش رسید، مطبوعات دوباره نباید زیر سایه بنشینند و آب خنک بنوشند، بلکه باید به این فکر کنند که چطور می‌توانند از گسست‌ناپذیر بودن زنجیره تامین کالاهای مورد نیاز خود اطمینان حاصل کنند تا در بحران‌های بعدی تا این اندازه آسیب‌پذیر نباشند.

مدیر مسوول جهان اقتصاد

ادامه از صفحه اول

کار را به روزنامه‌ها بسپارید

در آنجا در خصوص راه‌حل‌های برون رفت از این بحران بحث و تبادل نظر شود تا به راهکاری معقول دست پیدا کنند چرا که آنها خود در خط مقدم این جبهه قرار دارند و بهتر از هر کسی می‌توانند وضعیت کنونی را تحلیل و نتیجه‌گیری کنند. ثانیا، می‌توان «ارز» دولتی تعیین شده را در اختیار برخی روزنامه‌های بزرگ گذاشت تا آنها خود راسا اقدام به وارد کردن کاغذ کنند.

در مورد روزنامه‌های کوچک نیز این روزنامه‌ها می‌توانند گروه‌هایی را تشکیل دهند و هر چند روزنامه، با هم «ارز» را دریافت کنند و کاغذ وارد کنند. بدین‌ترتیب، هم خود روزنامه‌ها می‌توانند بر چگونگی واردات کاغذ نظارت داشته باشند و هم سودی که قرار است نصیب تاجر شود به خود رسانه‌ها می‌رسد و صرف تقویت آنها می‌شود. حتی اگر نخواهیم چنین کنیم، می‌توان «ارز» دولتی را در اختیار تشکل‌های صنفی معتبر و فعال رسانه‌ای گذاشت تا آنها کاغذ را وارد و توزیع کنند. البته شاید بد نباشد که بدانید قبل از این هم، این تجربه اجرا شده است.

یعنی در برهه‌ای اعتبارات ارزی در اختیار تشکل‌های صنفی مرتبط با حوزه نشر قرار می‌گرفت و آنها کاغذ وارد و توزیع می‌کردند. البته در ابتدای اجرای این طرح نگرانی‌هایی وجود داشت ولی در نهایت این طرح به نحو قابل قبولی اجرا شد. گرچه ایرادهایی نیز داشت ولی در نهایت موفقیت‌آمیز بود.

در مورد راهکار دوم یا همان راهکار کوتاه‌مدت نیز می‌توان گفت، با توجه به جایگاه و نقش مطبوعات در کشور ما، دولت و بخش‌های مختلف باید به هر طریق ممکن مشکل کنونی کاغذ را در این برهه حل کنند.

به خصوص در این زمان که کشور به دلیل مشکلات اقتصادی با شرایط خاصی روبرو است و مطبوعات می‌توانند نقش موثری در روشنگری و اطلاع‌رسانی به شهروندان داشته باشند. اینها مواردی است که شاید بتواند به کابوس اتمام کاغذ رسانه‌های ما پایان دهد و مجلات و مطبوعاتی که در چند هفته گذشته به دلیل معضل کاغذ انتشارشان متوقف شده بود، مجددا فعالیت‌شان را از سر بگیرند و با خون تازه‌ای که در رگ‌های آنها جریان پیدا خواهد کرد، بتوانیم دوباره شاهد رونق انتشار و تنوع مطبوعات روی کیوسک‌های مطبوعاتی باشیم. امیدوارم با تدابیری که متولیان می‌اندیشند، به زودی شاهد تحقق این موضوع و جان گرفتن دوباره مطبوعات باشیم چرا که در غیر این صورت دیگر چیزی از بدن نحیف مطبوعات کشور باقی نخواهد ماند و باید منتظر رقم خوردن سرنوشتی تلخ برای مطبوعات کشورمان باشیم.

بیماری میدز، MAIDS

ما به اصول حرفه‌ای متعهد شده‌ایم و باید بکوشیم که ظرفیت پیش‌آمده کنونی را در مسیری شکل دهیم که به بازسازی جایگاه رسانه و روزنامه‌نگاری و نقش بی‌بدیل آن در توسعه جامعه منجر شود.

این امید دادن به آینده درخشان روزنامه‌نگاری در ایران از سوی بنده، فقط یک شعار یا خیال واهی نیست. شاید مطبوعات نتوانند از این گرداب سالم عبور کنند ولی موضوع روزنامه‌نگاران تفاوت دارد. یک جامعه مدرن برای زنده ماندن نیازمند رسانه به مفهوم مدرن آن است. پس اگر امید به زندگی جامعه خودمان داریم باید امید به احیای رسانه و روزنامه‌نگاری نیز داشته باشیم.

نوبت دوم

شرکت ملی گاز
شرکت گاز استان لرستان
(سهامی خاص)

آگهی ارزیابی کیفی مشاور

موضوع: مناقصه شماره ۲۱-۹۷

شرکت گاز استان لرستان (مناقصه گزار) در نظر دارد، خدمات نظارت کارگاهی پروژه‌های گازرسانی در سطح استان، را از طریق انتشار آگهی (دو نوبت) طبق ماده ۷ آیین نامه خرید خدمات مشاوره، مشاوران واجد صلاحیت را جهت تهیه فهرست بلند انتخاب نماید. لذا از کلیه مشاوران واجد صلاحیتی که تمایل به شرکت در این ارزیابی کیفی را دارند، دعوت می‌گردد به منظور دریافت اسناد ارزیابی کیفی از تاریخ ۹۷/۰۵/۲۰ لغایت ۹۷/۰۵/۲۷ به پایگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات کشور به آدرس http://iets.mporg.ir مراجعه نموده و پس از دریافت اسناد ارزیابی کیفی پیشنهادات تکمیل شده خود را پس از ثبت در دبیرخانه حداکثر تا پایان وقت اداری مورخ ۹۷/۰۶/۰۴ به دفتر رئیس امور قراردادهای این شرکت تسلیم نموده و رسید دریافت نمایند.

ضمنا زمان بازگشائی پیشنهادات متعاقباً اعلام خواهد شد.

۱- عنوان و مشخصات کلی پروژه، خدمات نظارت کارگاهی پروژه‌های گازرسانی سطح شهرها و روستاهای استان لرستان
۲- مدت پیمان: دوسال
۳- مبلغ برآورد هزینه کار: حدود ۸۴ نفر سر ناظر و مهندس ناظر و تکنسین
۴- پروژه فاقد پیش پرداخت می‌باشد.
۵- پایه و رشته مورد نیاز: حداقل پایه ۳ از سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور در رشته خطوط انتقال نفت و گاز و شبکه توزیع و ایستگاه‌های تقلیل فشار
۶- محل تامین اعتبار: منابع داخلی
۷- مدت اعتبار پیشنهادها: یک سال می‌باشد و این مدت حداکثر برای یک بار قابل تمدید می‌باشد.
۸- شرایط شرکت کننده در فراخوان ارزیابی کیفی:
* **داشتن شخصیت حقوقی**
* **تجربه کافی مرتبط**
* **توانائی رعایت استانداردهای شرکت ملی گاز**
* **داشتن امکانات و نیروی متخصص به اندازه کافی**
* **رتبه بندی مرتبط با رعایت ظرفیت مجاز کاری**
* **داشتن کد شناسه ملی اشخاص حقوقی**

۹- آگهی مذکور در پایگاه ملی مناقصات کشور به آدرس: http://iets.mporg.ir نیز درج گردیده است.

روابط عمومی شرکت گاز استان لرستان

خرم آباد: میدان ۲۲ بهمن (کیو) - بلوار مدیریت تلفن: ۸ - ۳۳۲۰۷۸۱۵ فکس: ۳۳۲۰۰۶۸۴